

بلا اشراک خواه بر باشد خواه فاجر **و چون** المل محشر ایل
 این نور را مشاهده کنند از وقت طلوع این الله تعالی اراکم
 بعضی چشم را فریت می تا افتادن بود و در نصاری تبار
 چشم اضطراب شد و خواهر رسید با مل محشر و از کفری تا چشم
 و کرمی آفتاب عرق خواهر کرد هر کس که می اضطراب بقدر
 علم خواهر رسید بعضی عرق تا نوش و بعضی کردن و بعضی
 تا ناف و بعضی تا رگه و بعضی تا قین و کسائی را که معصومی
 اندر کتاف تا بی چون رسل و انبیا و اولیا مثل شافعی را
 و حضرت شیخ محمد لایق عبدالقادر جلالتی با محفوظ اندر دنیا بچه
 عالم اولیا و یا معاصی ایشان غفور است چون اصحاب بدر
 و اولیا بجا هم و بعضی صلی خرقون نخواهند شد البتة الله تعالی
 میفرماید الا ان اولیا الله لا خوف علیهم ولا هم
 یحزنون و دیگر بانی میفرماید لا یحزن فیض الفزع الا کبیر

چون

و چون در المل محشر اضطراب و عرق و فزع عظیم حاصل کرد و در دنیا
 که درین مقام شقیق یا بد تا این عالم خلاص شوند بقیه چشم خواهر رسید
 و محمد مصطفی صلی الله علیه سلم شفاعت خواهند نمود تا این عالم
 یاخته میوطن حساب و دیگر میوطن برود و کسائی که فزع الکبیر شوند
 نخواهر رساخت آب خواهند نوشید و از عرق کبیر که در شش است
 این شاء الله تعالی و دیگر المل محشر است و در کتاف و پریشان با
و احدیث شفاعت را که در کتاف کبیر شقیق است بر او میگوید
 بعد از هر روز بطریق خواهد شد پس بدانکه روایت کرده
 بخارجی مسلم از انس رضی الله علیه سلم که فرمود من علق الله
 که جمع شوند مومنان بر ذریعیت پس در عظیم افتد در این
 پس خواهد گفت کاش کسی شفاعت کند بسوگرب تعالی
 پس راحت دهد مرا از مکان مایان که این است پس خواهند
 آدم را در روایت امام احمد و ابن حبان از امام حسین

در المل محشر اضطراب
 و عرق کبیر که در شش است